

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّى ﴿١﴾

چهره درهم کشید و روی برتافت،

أَنَّ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴿٢﴾

از این که نابینایی به سراغ او آمد.

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي ﴿٢﴾

تو چه می دانی شاید او تقوا پیشه کند،

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرُ ﴿٤﴾

یا متذکر گردد و این تذکره
حال او مفید باشد.

أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى ﴿٥﴾

اما آن کس که خود را توانگر می بیند،

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ﴿٦﴾

توبه اوروی می آوری،

وَمَا عَلَيْكَ الْأَلْيَةُ ﴿٧﴾

در حالی که اگر او تقوا پیشه نکند
چیزی بر تو نیست.

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ﴿٨﴾

اما کسی که به سراغ تو می آید
و کوشش می کند،

وَهُوَ يَخْتِي ﴿٩﴾

و (از خدا) ترسان است،

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ﴿۱۰﴾

تو از او غافل می شوی!

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾

هرگز چنین نیست (که آنها می‌پندارند)؛ این (قرآن برای همه) تذکرو یادآوری است،

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿١٢﴾

و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد.

في صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾

در الواح پرارزشی

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿۱۴﴾

والا قدر و پاکیزه،

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾

به دست سفیرانی

کِرَامِ بَرَّةٍ ﴿۱۶﴾

والا مقام (و فرمانبردار) و نیکوکار!

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾

مرگ براین انسان، چقدر ناسپاس است!

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾

مگر (خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟!

مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ﴿١٩﴾

او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس
اندازه گیری کرد و موزون ساخت،

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ ﴿٢٠﴾

سپس راه (سعادت) را برای او آسان کرد

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾

بعد او را میراند و در قبر نهاد،

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴿٢٢﴾

پس هرگاه بخواهد او را زنده می کند.

كَأَلَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ﴿٢٣﴾

هرگز چنین نیست (که او می‌پندارد)؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٤﴾

انسان باید به غذای خویش
(و آفرینش آن) بنگرد!

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾

ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم،

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾

سپس زمین را از هم شکافتیم،

فَأَنْبِئْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾

و در آن دانه های فراوانی رویانندیم،

وَعِنْبًا وَقِضْبًا ﴿٢٨﴾

و انگور و سبزی بسیار،

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾

و زیتون و نخل فراوان،

وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٢٠﴾

و باغ های پردرخت،

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾

و میوه و چراگاه

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿۳۲﴾

تا وسیله ای برای بهره گیری شما
و چهارپایانان باشد.

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ﴿٣٣﴾

هنگامی که صیحه رستاخیز بیاید،

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾

در آن روز انسان از برادر خود می‌گریزد،

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾

و از مادر و پدرش،

وَصَاحِبَيْهِ وَبَنِيهِ ﴿٢٦﴾

و همسر و فرزندانش؛

لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾

آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾

چهره هایی در آن روز گشاده و نورانی است

ضاحِگَهٗ مُسْتَبِیْرَهٗ ﴿۳۹﴾

خندان و مسرور است؛

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾

و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است،

تَرَهَّقْهَا قَتْرَةٌ ﴿٤١﴾

و دود تاریکی آنها را پوشانده است،

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ ﴿٤٢﴾

آنان همان کافران و فاجرانند.

صدق الله العلي العظيم